



تشریح و آثار در فضیلت دو سی

نفس و آثار شرح الیاس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر مرتضی رحیمی؛ استادیار دانشگاه شیراز

پیشگفتار:

۱۸

اتحاد جامعه اسلامی ترغیب شده است، چنانچه پیامبر (ﷺ) فرموده: ﴿المؤمن آلف ومألوف ولاخیر فیمن لایألف ولا یؤلف﴾ مؤمن با دیگران انس و الفت می‌گیرد و دیگران با وی انس و الفت می‌گیرند و خیری نیست در کسی که با

همان گونه که می‌دانیم انسان مدنی بالطبع است که اشتقاق آن از انس به معنای انس و الفت گرفت، این مدعا را تأیید می‌کند، از همین روی در روایات اسلامی انس و الفت با دیگران مورد تشویق قرار گرفته و از این طریق به انسجام و

جنبه اجتماعی و روانشناسی تکیه شده، مطالعه آیین دوست یابی در نهج البلاغه و سایر متون اسلامی به خوبی ادعای فوق را ثابت می‌کنند، از این رو برای روشن شدن چگونگی امر، آیین دوستی در نهج البلاغه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهج البلاغه ضمن کلمات چندی همچون اخ و هم خانواده‌های آن، رفیق، صاحب، قریب و هم خانواده‌های آنها، و کلمات دیگر از دوست و دوستی و اهمیت آن سخن گفته شده و به تأسی از قرآن و پیامبر (ﷺ) آیین دوستی و دوستیابی ترسیم شده است.

❁ نقش و اهمیت دوستی در نهج البلاغه

اهمیت دوستی و دوست در چندین جای نهج البلاغه به صورت گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، از جمله:

❁ ۱- نقش دوستان در بهبودی اقتصاد:

با توجه به امکان استفاده از توانایی و تجارب دوستان، نقش ایشان در بهبود وضع اقتصادی افراد قابل درک است، علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: ❁ شارکوا الذی قد اقبل علیه الرزق فانه اخلاق للغنی و اجدر باقبال الحظ علیه. ❁ (حکمت ۲۰) با کسی که روزی به او روی آورده شریک شوید که وی توانگری را سزاوارتر

دیگران انس و الفت نمی‌گیرد و دیگران با او انس و الفت نمی‌گیرند. به همین سبب پیامبر (ﷺ) - که به فرموده قرآن برای همه جهانیان به پیامبری مبعوث شده و مایه رحمت جهانیان است^۲ - با استفاده از ایمان و دین و با کمک حسن خلق عظیم خود، در محیط عربستان که فراگیرترین عنوان جمع‌کننده افراد، «قبیله بود» و درگیری‌های متعدد و بعضاً خیلی طولانی در بین آنها وجود داشت، امت بزرگ اسلامی و خانواده عظیمی ایجاد کرد که به فرموده خود ایشان^۳، علی (علیه السلام) و ایشان رئیس این خانواده بزرگ بشمار می‌روند و به فرموده قرآن این امر از نعمت‌های خدا می‌باشد که در صورت هزینه کردن هر آنچه در زمین است به دست نمی‌آید^۴. از این رو گذشته از فضایل اخلاقی زیاد در نهج البلاغه - که به انسجام و اتحاد این خانواده بزرگ اسلامی تشویق می‌کنند - عناوین زیادی وجود دارند که مفهوم دوستی را بیان می‌کنند و از یک سو پیوند و علائق بین افراد خانواده بزرگ اسلام را مستحکم نموده و از سویی دیگر در اسلام آیینی برای دوستی و دوستیابی برای روابط افراد ترسیم شده است که با آیین دوستی نویسنده‌گانی همچون دلیل کارنگی تفاوت فاحش دارد، زیرا به عکس اسلام - که دوستی را پیوندی الهی و انسانی معرفی نموده و برای دوستی رنگی الهی در نظر گرفته و دوستی بر پایه ایمان به خداوند را مورد توصیه قرار داده است - در آیین دوستیابی دلیل کارنگی بیشتر به

است و روی آوردن بخت بر روی شایسته تر* این امر از سخن دیگر علی (علیه السلام) که در آن دوستان را توشه دنیا و آخرت قرار داده نیز قابل تأیید است که در آن فرموده‌اند:

﴿عليكم بالاخوان، فانهم عدة في الدنيا و الآخرة﴾^۵

❁ ۲ - نداشتن دوست و نیز از دست دادن دوست نشانه عجز و ناتوانی است:

چنانچه علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: ﴿اعجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان و اعجز منه من ضيع من ظفر به﴾^۶ ناتوان‌ترین فرد کسی است که توانایی به دست آوردن دوستان را ندارد و از او ناتوان‌تر کسی است که دوستانی را که به دست آورده از دست بدهد.

علت آن که امام (علیه السلام) فرد ناتوان از دوستیابی را ناتوان‌ترین مردم، دانسته‌اند آن است که دوستیابی، نه به صرف نیروی بدنی نیاز دارد و نه به اعمال نیروی عقلی، بلکه تنها به اخلاق خوب و حسن رفتار و برخورد با گشاده‌رویی و چهره باز، نیاز دارد که در بیشتر مردم، طبیعی و آسانترین کار می‌باشد، بدیهی است که فردی که از این امور ناتوان باشد، ناتوان‌ترین فرد بر انجام کارهاست. از سویی علت آن که از دیدگاه علی (علیه السلام) فردی که دوستانش را از دست می‌دهد ناتوان‌تر از فردی است که توان دوستیابی ندارد آن است که

دوستیابی برای افراد همراه با زحمت است، اما کسی که دوستی، فراهم آورده، دیگر نیازی به این مقدار زحمت نیز ندارد، از این رو، نگهداری دوستان آسان‌تر از دوستیابی می‌باشد، لذا کسی که، به خاطر ناتوانی در نگهداری از چیزی که آسانترین کارهاست دوستان خود را از دست می‌دهد، از کسی که در دوستیابی ناتوان است، ناتوان‌تر می‌باشد.

ابن ابی الحدید^۷ در ضمن کلمه قصار مورد بحث به سخن امام صادق (علیه السلام) ﴿كل شيء حلية و حلية الرجل اوادئه﴾^۸ هر چیزی زیوری دارد و زیور مرد دوستان وی می‌باشد و نیز سخن پیامبر (ص) در هنگام شهادت جعفر طیار که فرموده ﴿المرء كثير باخيه﴾^۹ آدمی با دوستانش زیاد می‌شود، استناد نموده و همچنین به سخن ابوایوب سختیانی اشاره کرده که در آن گفته: هر گاه خبر مرگ یکی از دوستانم به من می‌رسد کویی یکی از اندامهای بدن من قطع می‌شود.

❁ ۳ - با داشتن دوست، شخص غریب گویا در وطن خویش است:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: ﴿فقد الاحبة غربة﴾^{۱۰} از دست دادن دوستان غربت است، در این کلام لفظ غریب از آن رو برای از دست دادن دوستان استعاره آورده شده که هر دو باعث وحشت و تنهایی و سختی می‌باشند. مفهوم یاد شده در سخن دیگری از

همچنین خراسانی ها که عجم بودند به یاری بنی عباس که دولتی عرب بودند قیام نمودند.

۵- نقش اخلاقی دوستان در مورد

یکدیگر:

دوستان از نظر خصوصیات اخلاقی و روانی و شخصیتی تأثیر زیادی روی یکدیگر دارند، از همین روی است که از دوستی با برخی افراد نهی و به دوستی با برخی افراد سفارش شده است، چنانچه علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: «اذا كان في رجل خلة رائمة فانظروا منه اخواتها» (حکمت ۲۵۴) چون باشد در مردی خصلتی خوب و خوش آیند، پس منتظر باش مانند آن را.

از این سخن علی (علیه السلام) استفاده می‌شود که در فرضی که شخصی با دیگران دوستی کند، خصلت پسندیده و شگفت آور وی به دیگران منتقل می‌شود و دیگران از وی تأثیر می‌پذیرند، به همین دلیل گفته شده که صفات دوستان معرف دوستان هستند.

۶- دوستی نوعی خویشاوندی

است:

از دیدگاه علی (علیه السلام) دوستی یک نوع خویشاوندی به حساب می‌آید، با توجه حقوق شدید خویشاوندی و ارتباط نزدیک آنها با انسانها اهمیت امر مشخص می‌شود، علی

علی (علیه السلام) نیز به چشم می‌خورد که در آن فرموده‌اند: «الغریب من لم یکن له حبیب»^۹، غریب کسی است که دوستی نداشته باشد.

۴- نزدیکتر بودن دوستان به

انسان تا خویشان وی در برخی

موارد:

این امر به خوبی از سخن علی (علیه السلام) «ضیعه الاقرب اتیح له الابد»^{۱۰}، هر که بستگان نزدیکتر او را ترک کنند بیگانه ای بسیار دور اطرافش را بگیرد و نیز سخن دیگر حضرت که در آن فرموده‌اند: «رب قریب ابعده من بعید ورب بعید اقرب من بعید»^{۱۱}، چه بسا نزدیک از دور دورتر است و بسا دور که از نزدیک نزدیکتر می‌باشد، به خوبی قابل تأیید است، شاهد مدعا آن که ابن ابی الحدید^{۱۲} در شرح سخن نخست به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) استشهدا نموده‌اند که نزدیکانش، یعنی قریش وی را یاری ندادند و بلکه بر ضد او دست به دست دادند اما قبایل اوس و خزرج که از لحاظ نسبت از همه مردم از او دورتر بودند وی را یاری کردند، چه آن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عدنانی و ایشان قحطانی می‌باشند^{۱۳} و از طرفی هیچیک از گروه انصار و قریش یکدیگر را دوست نمی‌داشتند، شاهد دیگر آن که در جنگ صفین، قبیله ربیع - که از دشمنان مضر، یعنی خویشان و عشیره علی (علیه السلام) بودند - علی (علیه السلام) را یاری دادند.

(علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: ❁ **والصاحب مناسب** ❁ (نامه ۳۱ نهج البلاغه) دوست به منزله خویشاوند است. همچنین فرموده‌اند: ❁ **مودة الاباء قرابة بين الابناء والقرابة الى المودة احوج من المودة الى القرابة** ❁ (حکمت ۳۰۸) دوستی پدران سبب خویشاوندی میان فرزندان است و خویشاوندی را به مودت بیشتر نیاز است تا مودت را به خویشاوندی. از همین روی است که امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند:

« دوستی بیست ساله خویشاوندی آورد»^{۱۳} و نیز در مثل است که « دوستی و دشمنی به ارث منتقل می‌شوند»^{۱۴}. توضیح آن که مهربانی میان سالمندان موجب نزدیکی و ایجاد خویشاوندی میان فرزندان می‌شوند و از سویی دوستی و خویشاوندی هریک مورد نیاز انسان می‌باشند. ابن ابی الحدید در این باره گفته:^{۱۵}

« در خویشاوندی بدون دوستی خیری نیست، به کسی گفتند آیا برادرت یا دوستت را بیشتر دوست می‌داری؟ گفت بدون تردید برادرم را هنگامی که دوست من باشد، خویشاوند نیازمند دوستی است و دوستی از خویشاوندی بی نیاز است.»

بنی امیه فرموده‌اند: ❁ **تواخى الناس على الفجور، وتهاجروا على الدين، وتحابوا على الكذب، و تباغضوا على الصدق. فإذا كان ذلك كان الولد غيظاً و المطر قیظاً** ❁^{۱۶} مردم در ارتکاب معاصی و به جا آوردن فسق و فجور و پیروی از خواهشهای نفسانی با یکدیگر همبستگی و دوستی دارند، و هرکس را دیندار احساس کنند، او را از خود رانده و از او دوری می‌جویند و او نیز از آنها دوری اختیار می‌کند، و به خاطر دروغ با یکدیگر دوستی می‌کنند و به خاطر راستگویی با یکدیگر دشمنی می‌نمایند، فرزندی که گرامی‌ترین محبوب آدمی است برای پدرش مایه خشم و دل‌تنگی است، یعنی موجب رنج و غضب پدر می‌شود، و باران کشت را سوزد. منظور از تکرار این معانی نفرت دادن شنوندگان از این امور ناپسند و زشت و ترسانیدن آنهاست از این که امور مذکور اتفاق افتد.

از مفهوم سخن علی (علیه السلام) استفاده می‌شود که چنانچه دوستی، دوستی خوب باشد، محبت پدر و فرزند و فراوانی محصول و تقویت غنای جوانمردان را به دنبال خواهد داشت.

❁ ۸ - نقش و اهمیت دوست در

مسافرت:

نقش و اهمیت دوست در مسافرت آن قدر زیاد است که علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندشان امام حسن (علیه السلام) توصیه نموده‌اند که

❁ ۷ - دوستی بد و نادرست موجب کینه نوزی پدر با فرزند و از بین رفتن کشت است:

علی (علیه السلام) در این باره ضمن خبر دادن از فتنه



زیرا ایشان توشه در دنیا و آخرت هستند آیا به سخن خداوند متعال گوش نمی‌دهید (که در آن آمده عده‌ای می‌گویند ﴿ما لنا من شافعين و لا صديق حميم﴾ و نیز امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: منزلت و جایگاه دوست (صدیق) آن قدر بلند است که دوزخیان، ایشان را به فریاد رسی می‌خوانند و پیش از نزدیکان دلسوز ایشان را صدا می‌زنند خداوند از ایشان خبر داده و فرموده: ﴿فما لنا من شافعين و لا صديق حميم﴾.

❁ وسایل دوستی

منظور از وسایل دوستی اموری هستند که موجبات دوستی را فراهم نموده و باعث دوستی بین افراد یا تحکیم دوستی بین ایشان است، که در نهج البلاغه به مواردی از آنها اشاره شده است، از جمله:

❁ ۱- مهرورزی و محبت:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: ﴿التودد نصف العقل﴾ (نهج البلاغه / حکمت ۱۴۳) ۲۲ به موجب این سخن، از جمله تصرفات عقل در تدبیر امور، محبت به دیگر مردم می‌باشد، زیرا انسان در رفع نیاز زندگی به دیگران محتاج است، و در این جهت رفتارش با مردم یا به گونه‌ای دوستانه و معاشرت نیکو و خوش برخوردی و گذشت و تشویق است، و یا به گونه قهر و غلبه و ترس می‌باشد، از این رو دوستی و محبت و

پیش از آن که برای مسافرت راه بیفتی پیرس که دوست و همراهت کیست. ﴿سل عن الرفیق قبل الطریق﴾، این مفهوم به شکل ﴿الرفیق ثم الطریق﴾^{۱۷} به صورت مثلی رایج در آمده است. از سویی ضمن لعن شدن کسانی که بدون دوست و رفیق و به تنهایی اقدام به مسافرت می‌کنند^{۱۸} از همراه بودن با دوست به عنوان یک ضرورت سخن گفته شده و برای دوستانی که انسان را در سفر همراهی می‌کنند شرایطی^{۱۹} بیان شده است. طبق برخی از اقوال^{۲۰}، در قرآن نیز از دوستان در سفر به ﴿الصاحب بالجنب﴾ (نساء / ۳۶) تعبیر شده و به احسان ایشان سفارش شده است.

❁ ۱- نقش و اهمیت دوست در آخرت:

دوستی علاوه بر نقش و اهمیت آن در دنیا در آخرت نیز از نقش و اهمیت بسزایی برخوردار است، به گونه ای که این نقش در قرآن نیز بارها مورد اشاره قرار گرفته، از جمله، ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ (زخرف / ۶۷) بر اساس این آیه در آخرت بین اهل تقوی و ایمان دوستی برقرار است، زیرا دوستی‌های ایشان در جهت پیشرفت در راه خدا است از این رو این دوستی در آخرت به سود ایشان خواهد بود. همچنین آیه ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾ (الشعراء / ۱۰۱) که علی (علیه السلام) درباره آن فرموده‌اند^{۲۱} «بر شما باد به دوستان (برادران)،

آنچه لازمه دوستی است، نیمی از خرد، یعنی نیمی از تصرفات عقل در تدبیر امور زندگی او می‌باشد. از همین روی است که در جای دیگر محبت و مهرورزی به مردم را سر عقل^{۲۳} و مایه فرخندگی^{۲۴} و نشانه مردانگی^{۲۵} دانسته‌اند.

۲۰- تواضع و فروتنی و خوشخویی:

بدیهی است که تواضع و فروتنی و نیز خوشخویی از عوامل صید دل دیگران و تحکیم دوستی بین ایشان و نیز افزایش شمار دوستان می‌باشد، از همین روی است که علی (علیه السلام) فرموده‌اند: ﴿من لان عوده كثفت اغصانه﴾ (نهج البلاغه/ حکمت ۲۱۰) حضرت در این جمله لفظ عود را برای طبیعت انسان استعاره آورده و نرمی آن را کنایه از فروتنی دانسته‌اند، همچنین کلمه اغصان را استعاره از یاران و پیروان و لفظ کثافت را کنایه از اجتماع آنان در پیرامون وی و فزونی و توانمندی‌اش به وسیله آنان، کنایه آورده‌اند. منظور حضرت از سخن یاد شده آن است که هر کس دارای فضیلت تواضع و نرم‌خویی باشد، یاران و پیروانش زیاد شده و به وسیله آنان قوی می‌گردد.

ابن ابی الحدید^{۲۶} این سخن حضرت را شبیه آیه ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ﴾ باذن الله (اعراف/ ۵۸) دانسته و یاد آور شده‌اند که این سخن حضرت شبیه سخن دیگر ایشان است

که در آن فرموده‌اند: «هر که نرم‌گفتار باشد دوستی او واجب می‌شود»

سخن مورد اشاره علی (علیه السلام) از سویی می‌تواند شبیه آیه ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراہیم/ ۲۴) باشد.

۳- انفاق و بخشش:

بخشش و انفاق مخصوصاً در هنگامی که به شکل هدیه صورت گیرد موجب ایجاد محبت و تحکیم پایه‌های دوستی است، از همین روی پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره آن فرموده‌اند: ﴿نعم الشيء الهدية تذهب الضغائن من الصدور﴾، از همین روی است که علی (ع) فرموده‌اند: ﴿من نال استطال﴾^{۲۸} هر که در راه خدا انفاق کند در مردم نفوذ می‌یابد. (نهج البلاغه/ حکمت ۲۱۲ زمانی)، استفاده یاد شده در صورتی است که کلمه «نال» به معنای جود و بخشش باشد، چه آن که معنای دیگر قابل تصور برای جمله یاد شده آن است که گفته شود «هر که به مال نایل شود، بر دیگران برتری می‌جوید» سخن یاد شده علی (علیه السلام) همانند سخن دیگر ایشان است که در آن فرموده‌اند: ﴿من جاد ساد﴾ هر که بذل و بخشش کند، آقایی نماید.

۴- گشاده رویی:

گشاده رویی مهم‌ترین مایه پیوند و دوستی بین



همه انسانها بوده و افزایش محبت را موجب می‌گردد، از همین روی است که پیامبر (ﷺ) فرموده‌اند: **۳۰** ﴿حَسَنَ الْخَلْقِ يَثْبِتُ الْمَوَدَّةَ﴾ علی (ع) نیز خوشرویی را دام دوستی دانسته و فرموده‌اند: **۳۱** ﴿الْبِشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ﴾، در این جمله علی (ع) کلمه «الحباله» یعنی دام را استعاره از گشاده‌رویی آورده است از آن رو که انسان بدان وسیله مردم را جلب کرده و دلشان را برای دوستی و محبت خود به دست می‌آورد، مانند، دام شکارچی که پرنده را با آن صید می‌کند. مشابه جمله یاد شده جمله دیگر علی (ع) است که در آن فرموده‌اند: **۳۲** ﴿عَلَيْكَ بِالْبِشَاشَةِ فَانْهَاجَةَ الْمَوَدَّةِ﴾ بر تو یاد به خوشرویی که آن سر رشته دوستی است (با مردم).

۵- بردباری و تحمل دیگران:

بدیهی است که حلم و بردباری می‌تواند از عوامل دوستی و ثبات آن باشد، چه آن که تحمل عیوب موجب آن می‌شود که انسان حرکتی که موجب رنجش دیگران گردد از او صدور نیابد، از همین روی است که علی (ع) حلم و بردباری را موجب شرافت و عزت انسان در دیدگاه دیدگاه دیگران دانسته و فرموده‌اند:

﴿مَنْ كَثُرَ حِلْمُهُ نَبِلَ﴾ **۳۳** هر که حلم و بردباریش زیاد شود نزد مردم شریف گردد و نیز ﴿لَا عِزَّ كَالْحِلْمِ﴾ **۳۴** هیچ عزتی مانند حلم و بردباری نیست. همچنین تحمل و بردباری را

گورستان عیوب دانسته و فرموده‌اند: ﴿الاحتمال قبر العیوب﴾ (نهج البلاغه / حکمت ۶)، احتمال، نوعی از حلم و بردباری در مقابل سخن و کار ناخوشایند است که از همنشین انسان اعم از دوست و دشمن صادر می‌شود. **۳۵** از همین روی است که در جای دیگر **۳۶** تحمل حرف‌های دیگران و حمل بر صحت کردن گفتار ایشان را بهترین یاور برای مردمان دانسته‌اند. همچنین در یکی از کلمات قصارشان حلم و بردباری را قبیله دانسته‌اند، در عبارت مورد نظر علی (ع) کلمه «عشیره» را به اعتبار این که بردباری، شخص را از خطر افراد دشمن همانند پشتیبانی عشیره و قبیله‌اش حمایت می‌کند، استعاره آورده‌اند. و نیز در جای دیگر فرموده‌اند: ﴿اول عوض الحليم من حلمه ان الناس انصاره علی الجاهل﴾ **۳۸** نخستین عوض بردبار از بردباریش آن است که مردم در قبال افراد نادان یاران اویند.

۶- همنشینی خوب:

همنشینی خوب در دوستی و تحکیم پایه‌های آن نقش زیادی دارد، از همین روی است که در متون اسلامی نسبت به همنشین با حساسیت خاصی برخورد شده و افراد را از همنشینی با بدان بر حذر داشته و به همنشینی با خوبان توصیه و سفارش شده است، علی (ع) در این باره فرموده‌اند: ﴿خالطوا الناس مخالطة ان تمتم بکوا علیکم و ان عثتم حنوا الیکم﴾ (نهج

البلاغه / حکمت ۱۰) با مردم آن چنان معاشرت کنید که اگر مرید بر شما گریه کنند و اگر زنده مانند خواهان معاشرت با شما باشند و بر شما مهر بورزند ابن ابی الحدید^{۳۹} ضمن شرح این کلام حدیثی نقل کرده است که مضمون آن چنین است: مسلمان را بر مسلمان شش حق است، چون او را ببیند بر او سلام دهد و چون او را فرا خواند پاسخش دهد و چون عطسه کند سلامت باد گویدش و هر گاه بیمار شود به دیدارش رود و آنچه را برای خود دوست می دارد برای او دوست دارد و اگر بمیرد به تشییع بیکرش برود.

۷- اصلاح بین دیگران:

اصلاح بین دیگران می تواند از عوامل دوستی بین انسانها باشد، به این معنی که علاوه بر آن که بین افرادی که با هم خصومت و ناراحتی پیدا کرده اند دوستی ایجاد می کند موجب تحکیم دوستی ایشان با اصلاح کننده می شود، از همین روی است که علی (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (ﷺ) اصلاح بین دیگران را از یک سال نماز و روزه بالاتر دانسته (نامه ۴۷ نهج البلاغه شهیدی) و به همین سبب یکدیگر را به پیوستن با هم و بخشیدن یکدیگر و پرهیز از رویگرداندن و گسستن از یکدیگر سفارش نموده اند.

۸- خیر خواهی:

خیر خواهی از وظایف مؤمنین و مسلمانان می باشد که در متون اسلامی به صور گوناگون به

آن توصیه و سفارش شده است، خیر خواهی ایجاب می کند که فردی که دیگری را دوست دارد او را از راه ناصواب بر حذر داشته و پرهیز داده و وی را به راهها و کارهای خوب سفارش و تشویق کند، از همین روی است که پیامبران خود را خیر خواه مردمی که به سویشان مبعوث شده اند دانسته اند^{۴۰} بدیهی است که پس از روشن شدن حقیقت امر چنین خیر خواهی موجبات دوستی را فراهم نموده و باعث دوام و تقویت آن می شود، به همین دلیل علی (علیه السلام) به دوستی با افرادی که انسان را هشدار می دهند تشویق نموده و فرموده اند: ﴿علیک بمواخاة من حذرک و نهاک، فانه یبندک و یرشدک.﴾ بر تو باد به برادری کسی که تو را (از کار بد و عذاب الهی) بیم دهد و باز دارد، که چنین برادری تو را به بلندی رسانده و به راه راست هدایت کند و نیز فرموده اند: ﴿من حذرک کمن بشرک﴾ (نهج البلاغه شهیدی / حکمت ۵۹ و ابن ابی الحدید، حکمت ۵۷) هر کس که تو را از خطر بیم دهد همچون کسی است که تو را مزده رساند نظیر جمله یاد شده این است که دوست تو کسی است که تو را نهی کند، نه آن کس که تو را تشویق کند، و این سخن که خدای رحمت کند کسی را که عیبهای مرا نشانم دهد و در جای دیگر فرموده اند^{۴۲}: ﴿تبتنی الأخوة فی الله علی التناصح فی الله، و التبادل فی الله، و التعاون علی طاعة الله، و التناهی عن معاصی الله، و التناصر فی الله، و اخلاص المحبة﴾ پی ریزی شده است

❶-۱- کوچک شمردن دنیا:

دوست خوب کسی است که دنیا در نظرش کوچک باشد، با توجه به آن که دنیا سر هر نوع خطایی دانسته شده دوست خوب از آن دور شده و دوست خود را عملاً به آن تشویق می‌کند، ویژگی یاد شده از عبارت ❶ و کان يعظمه فی عینی صغر الدنيا فی عینه ❷ استفاده می‌شود. خصوصیت یاد شده موجب شده که دوست مورد صحبت در نزد علی (علیه السلام) بزرگ جلوه نماید.

❶-۲- آزادی از شهوت:

ویژگی یاد شده از این جملات استفاده می‌شود که علی (علیه السلام) در آنها فرموده‌اند: ❶ و کان خارجاً من سلطان بطنه ❷، ابن ابی الحدید^{۴۶} در شرح عبارت یاد شده اشاره کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرموده‌اند: دلها را با بسیار خوردن و آشامیدن نمیرانید که دل با آن دو می‌میرد، همچون کشته‌ای که اگر بر آن بسیار آب دهند خشک می‌شود. امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در ماه رمضان که در آن به شهادت رسید، شبی در خانه امام حسن و شبی در خانه امام حسین و شبی در خانه جعفر - یعنی خانه دختر بزرگوارش زینب - افطار می‌کرد و بیش از دو یا سه لقمه نمی‌خورد و چون می‌گفتند چرا آن قدر اندک می‌خورد، می‌فرمود: چند شبی بیش باقی نمانده است، دوست دارم

برادری در راه خدا بر خیر خواهی یکدیگر در راه خدا، و بخشش کردن به یکدیگر در راه خدا، و کمک کردن به یکدیگر بر اطاعت خدا، و باز داشتن یکدیگر از نافرمانی خدا، و یاری کردن یکدیگر در راه خدا، و اخلاص دوستی با یکدیگر.

با توجه به آن که نصیحت ضد حسد می‌باشد و با توجه به فرموده علی (علیه السلام): ❶ من ترک الحسد کانت له المحبة عند الناس ❷^{۴۳} هر که حسد را رها کند محبوب مردم گردد، به خوبی روشن می‌شود که چگونه خیر خواهی می‌تواند از اسباب دوستی و تحکیم آن باشد.

❶-ویژگی‌های دوست خوب

در نهج البلاغه و ویژگی‌های زیادی برای دوست خوب بیان شده که بسیاری از آنها از سخن حکمت آمیز ۲۹۵ مصطفی زمانی^{۴۴} استفاده می‌شود، در این که فرد مورد بحث چه کسی است دیدگاه‌های مختلفی، همچون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ابوذر غفاری، عثمان بن مظعون، فاضل مقدار بیان شده، بهترین دیدگاه آن است که کلمه مورد بحث (اخ) به برادر یا دوست معینی اشاره نداشته بلکه از باب نمونه و به عنوان مثل بیان شده، که نظیر آن در اشعار عرب زیاد به چشم می‌خورد،^{۴۵} در حکمت یاد شده که با عبارت ❶ کان لی فیما مضی اخ فی الله... ❷ شروع شده به ویژگی‌های زیر اشاره شده است:

در حالی که شکم خالی و گرسنه باشم فرمان حق در رسد. ابن ملجم که نفرین خدا بر او باد، در همان شب او را ضربت زد.

۳۱- میانه روی در سخن گفتن و

سکوت کردن:

این ویژگی از جمله ❁ و کان اکثر دهره صامتاً فان قال بد القائلین وقع غلیل السائلین ❁ استفاده می شود که در آن فرموده اند: عمری را در سکوت سپری کرد، اگر سخن می گفت، گویندگان را به سکوت وامی داشت و تشنگی سؤال کنندگان را برطرف می ساخت. به این معنی که او در جای خود، سخن حکیمانه می گوید، و اما چیره شدن سکوت بر او؛ دلیل توان عقلی اوست، چنان که امام (علیه السلام) فرموده اند (نهج البلاغه صبحی صالح/ ۴۸۰) «وقتی که عقل کامل شد، سخن کم می شود».

۵- متانت به هنگام اختلاف:

علی (علیه السلام) درباره این ویژگی فرموده اند: ❁ لا یدلی بحجة حتی یأتی قاضیاً ❁ (ترجمه نهج البلاغه ابن میثم ۶۶۱/۵) پیش از آن که نزد قاضی بیاید دلیلی اقامه نمی کرد. از این عبارت، فضیلت عدالت و کاربرد هر چیز در جای مناسب خودش استفاده شده است.

۶- نداشتن عکس العمل سریع در برابر ناملايمات:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند: ❁ و کان لا یلوم احداً علی ما یجد العذر فی مثله ❁ و کسی که عذری داشت تا عذرش را نمی شنید ملامت نمی کرد.

۷- تسلیم در برابر حوادثی که

کنترل آن از دست بشر خارج و یا بشر در به وجود آمدن آن نقشی ندارد، مثل بیماری:

این امر از عبارت امام (علیه السلام) ❁ و کان لایشکو وجعاً الا عند برئه ❁ وی به خاطر تسلیم بودنش به حکم الهی و تن دادن به رضای پروردگار، از بیماری که بر او عارض می شد، گله نمی کرد، بلکه شاید آن را پس از بهبودی، به عنوان خبر و نه شکوه به دیگران نقل می کرد، او بیماری خود را از دیگران پنهان می داشت تا باعث زحمت

۴- در عین حال که ظاهراً ضعیف و مستضعف است، در هنگام جنگ و غصب برای خداوند چون شیر درنده یا چون مار زهر آگین است:

این ویژگی از عبارت ❁ و کان ضعیفاً مستضعفاً فان جاء الجد فهو لیث غاب وصل واد ❁ حکمت مورد بحث استفاده می شود. از عبارت یاد شده ناتوانی که لازمه فضیلت تواضع و فروتنی است و نیز فضیلت شجاعت استفاده می شود.

مردم نشود که او را عیادت کنند و به زحمت بیفتند.

۸- یکی بودن حرف و عمل:

مسأله یکی بودن حرف و عمل به شکل یکی بودن ظاهر و باطن در روایات اسلامی به عنوان یکی از ویژگی‌های لازم دوست خوب بیان شده است، چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: **❁** ان یکون سریرته و علانیته لک واحده **❁** ۴۷ دوست باید ظاهر و باطنش برای تو یکی باشد. علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: **❁** و کان یقول ما یفعل و لایقول ما لایفعل **❁** (حکمت ۲۹۵)، حرفی را که می‌گفت عمل می‌کرد و کاری را انجام نمی‌داد که نمی‌گفت.

علی ما یسمع احرص منه علی ان یتکلم **❁** (ترجمه ابن میثم ۶۵۹/۵)، بر شنیدن حریص‌تر بود تا گفتن، چه آن که طرف فایده بردن را بر فایده رساندن ترجیح می‌داد، زیرا اولی مهمتر از دومی است و آن بخشی از فضیلت حکمت است.

۱۱- مبارزه با هوای نفس:

علی (علیه السلام) درباره این ویژگی فرموده‌اند: **❁** و کان اذا بده امران ینظر ایهما اقرب الی الهوی فیخالفه **❁**، هرگاه دو کار در برابرش قرار می‌گرفت نگاه می‌کرد آن کار را که به مخالفت با هوای نفس نزدیکتر بود انتخاب می‌کرد.

۱۲- در راه به دست آوردن صفات

۹- پرهیز از مجادله و نزاع:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: **❁** و کان اذا غلب علی الکلام لم یغلب علی السکوت **❁**، اگر در سخن گفتن مغلوب می‌شد در سکوت کسی بر وی چیره نبود. این امر از فضیلت حکمت است، چون موارد خاموشی و سخن را بخوبی می‌دانست، و از جمله فضیلت او، غلبه بر خشم خود در وقت مشاجره است.

عالی کوشی کردن:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: **❁** فعملیکم بهذه الخلاق فالزموها و تنافسوا فیها فان لم تستطعواها فاعلموا ان هذا القلیل خیر من ترک الكثير **❁** (حکمت ۲۹۵)، بر شما باد به این خصلتها که ملازم آنها باشید و با یکدیگر هم‌چشمی کنید و اگر نتوانستید همه را به دست آورید بدانید که گرفتن اندک بهتر است تا رها کردن بسیار.

۱۰- برای شنیدن حرص بیشتر

داشتن تا گفتن:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: **❁** و کان

با توجه به عبارت یاد شده نه تنها ویژگی‌های گذشته از ویژگی‌های لازم دوست می‌باشند، کوشش و مسابقه در راه کسب آنها و چشم

عنهم. (نامه ۳۱) با نیکان بنشین تا از آنان به حساب آیی و از بدان بپرهیز تا از شمار ایشان در نیایی. بدیهی است که نیکان کسانی هستند که صفات لازم برای یک دوست خوب را دارا هستند.

همچشمی نمودن در این باره نیز از ویژگی های لازم دوست به حساب می آید. علاوه بر ویژگی های مورد بحث ویژگی های دیگری نیز از سخنان دیگر علی (علیه السلام) استفاده می شود، از جمله:

۱۵ - مورد اعتماد بودن (راز نگهدار بودن):

دوست علاوه بر آن که باید به دوست خود اعتماد کند و به کار و سخنان وی به دیده تردید ننگرد باید مورد اعتماد دوست باشد، یعنی اعتماد او را به خود جلب کند و راز نگهدار وی باشد، چنانچه علی (علیه السلام) از بی اعتمادی اهل کوفه نکوهش کرده و فرموده اند (نهج البلاغه شهیدی / خطبه ۱۲۵):

﴿أَفْ لَكُمْ لَقَدْ لَقِيتُ مِنْكُمْ بَرْحًا يَوْمًا أَنَا دَيْكُمْ وَ يَوْمًا أَنَا جِئِكُمْ فَلَا أُحْرَارُ صِدْقَ عِنْدَ الْبَدَاءِ وَلَا إِخْوَانَ ثِقَّةَ عِنْدَ النَّجَاءِ﴾ ای اهل کوفه تقو بر شما که از بس آزارتان سینه ام سوخت روزی به آواز بلندتان خوانم و روز دیگر در گوشتان سخن می رانم نه آزادگان راستینید هنگام خواندنتان به آواز و نه از برادران یک رنگ در نگهداری راز.

۱۳ - دوست کسی است که در نمان با انسان باشد:

علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند: ﴿الصديق من صدق غيبه﴾ (نهج البلاغه / نامه ۱۳) دوست کسی است که در نمان هم با تو باشد. حضرت در این عبارت، دوست واقعی را با نشانی، معرفی کرده است تا بدان وسیله وی را بشناسد و با او دوستی کند، و مقصود از صداقت در غیاب همان دوستی قلبی و راستی در نمان است.

۱۴ - دوست باید با دوست انسان دوست و با دشمن انسان دشمن باشد:

علی (علیه السلام) در باره این ویژگی فرموده اند: ﴿اصدقائك ثلاثة... فاصدقائك صدیقک و صدیق صدیقک و عدو عدوک﴾ (حکمت ۳۰)، دوستان سه دسته اند..... دوست تو، و رفیق دوست تو، و دشمن دشمن تو. حضرت در عبارت دیگری به لزوم خوب بودن دوستان و نیک بودن ایشان اشاره نموده و فرموده اند: ﴿قارن اهل الخیر تکن منهم و باین اهل الشر تبین

پی نوشت ها:

۱- الکافی ۹۹/۲

۲- و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (انبياء/ ۱۰۷) و تبارک الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمین نذیراً ﴿ فرقان / ۱ ﴾ و ﴿ و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً ﴾ (سبا/ ۲۸)

۳- انا و علی ابوا هذه الامة: علل الشرايع / ۱۷۶ و عيون اخبار الرضا / ۹۱

۴- لوانفقت ما فی الارض جميعاً ما الفت بين قلوبهم و لكن الله الف بينهم ﴿ انفال / ۶۳ ﴾ و ﴿ فاصبحتم بنعمته اخواناً ﴾ (آل عمران / ۷۹)

۵- نهج السعادة / ۴۰۷/۶

۶- نهج البلاغه / حکمت ۷ و نیز ترجمه شرح

نهج البلاغه (ابن میثم)، ۴۱۷/۵

۷- شرح نهج البلاغه ۱۱۲/۱۸

۸- نهج البلاغه / کلمه قصار ۵۷

۹- نهج البلاغه / نامه ۳۱

۱۰- نهج البلاغه / حکمت ۱۵

۱۱- نهج البلاغه / نامه ۳۱

۱۲- جلوه تاريخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه

دکتر مهدوی دامغانی ۷۲۳۷

۱۳- نهج البلاغه شهیدی / ۵۴۴ و نهج

الصباغه ۱۰/۱۰

۱۴- شهیدی، همان

۱۵- جلوه تاريخ در نهج البلاغه ۹۱/۸

۱۶- نهج البلاغه / خطبه ۱۰۸

۱۷- محمد غروی، الامثال و الحكم

المستخرجة من نهج البلاغه / ۱۹۴

۱۸- و عن موسى بن جعفر (ع) قال: لعن رسول

الله- صلى الله عليه وآله- ثلاثة: الأكل زاده

وحده، و النائم فى بيت وحده، و الراكب فى

الفلاة وحده. (خصال صدوق / ۹۳ و من

لا يحضره الفقيه ۲/۲۷۶)

۱۹- فالرفيق فى السفر يشترط أن تتوفر فيه

الأخلاق الحسنة و التمسك بالدين و المحافظة

على الحقوق و رعاية الأخ و الحفاظ على مودته

فلا يشتم و لا يقذف و لا يغتاب و لا يغضب و

لا يحسد و لا يخيف. يشترط أن يكون السفر

معه مقرباً من الله و مبعداً عن الشيطان. أما إذا

كان الرفيق سىء العشرة، سىء الأخلاق،

غضبوا، شرساً فإنه يحول السفر إلى جحيم و

يحتم الافتراق فى منتصف الطريق... و فى السفر

يختبر الإنسان على وجه الحقيقة و تظهر معادن

الأخلاق التى تكون طبيعة فيه عن المصطنعة

التى تكلفها فى بعض الأحيان. و فى السفر تظهر

عدالة الإنسان من فسقه و أمانته من خيانتة و

جميل أخلاقه من قبيحها. (شرح نهج البلاغه

سيد عباس موسوى ۴/۴۰۴)

۲۰- بحار الانوار ۷۴/۱۵۴

۲۱- نهج السعادة / ۴۰۷/۷

۲۲- ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم ۵/۵۳۹

۲۳- التودد الى الناس رأس العقل (غرر الحكم

ترجمه انصارى / ۱/۴۹) و اول العقل التودد (همان

غرر / ۶۷۹)

۲۴- التودد يمن (همان غرر الحكم / ۷/۱)

- ۲۵- أول المروءة طلاقة الوجه و آخرها ألتؤدد إلى الناس: مردانگی اولش گشاده روئی و آخرش با مردمان دوستی کردن است. (همان غررالحکم ۲۰۵/۱)
- ۲۶- جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، صفحه ۱۹
- ۲۷- بحار الانوار ۴۵/۷۲ و مشابه آن ﴿ الهدیة تورث المودة ﴾. در میزان الحکمة ۳۴۵/۴
- ۲۸- و در جای دیگر فرموده اند: الهدیة تجلب المحبة ارمغان برای دوست بردن محبت را جلب میکند. (غرر الحکم ترجمه انصاری ۶۵/۱) همچنین ﴿ ثلاثة تدل علی عقول أربابها الرسول و الكتاب و الهدیة ﴾: سه چیزند که بر خردمندی صاحبانش دلالت میکنند فرستاده و بیک نامه (که برای دیگران نویسند) هدیه و ارمغان (که بدوستان فرستند) « (همان غرر الحکم ۳۶۵/۱)
- ۲۹- تحف العقول / ۹۷
- ۳۰- تحف العقول / ۴۵
- ۳۱- نهج البلاغه / حکمت ۶
- ۳۲- غرر الحکم ، ترجمه انصاری ۴۷۹/ ۲
- ۳۳- همان غررالحکم ۶۳۱/۲ و نهج البلاغه الثاني ۱۶/
- ۳۴- ترجمه گویای نهج البلاغه مکارم شیرازی ۶۳۹/۳
- ۳۵- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه الخوئی ۱۹/۲۱
- ۳۶- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۹۹/۱۸: ﴿ وجدت الاحتمال انصر بی من الرجال ﴾ *
- ۳۷- ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم ۷۵۳/۵: ﴿ الحلم عشيرة ﴾ *
- ۳۸- همان ترجمه شرح ابن میثم / ۵۸۹
- ۳۹- جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷ صفحه ۲۳۵
- ۴۰- قول عبد صالح: انا لکم ناصح امین (اعراف/ ۶۸)
- ۴۱- ترجمه غرر محلاتی ۶۹/ ۱
- ۴۲- همان ترجمه غرر / ۱ / ۷۶
- ۴۳- نهج السعاده ۷۸/۱
- ۴۴- نهج البلاغه / ۹۶۹
- ۴۵- جلوه تاریخ در نهج البلاغه ۷۸/۸
- ۴۶- همان جلوه تاریخ ۸۱/۸
- ۴۷- الخصال / ۲۷۷